

بررسی رابطه حس اجتماع و احساس امنیت شهری، مورد مطالعه: شهر آشنخانه

۱. سعید حسین آبادی، دانش آموخته کارشناسی رشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری

۲. الهه الهیان کیکانلو، دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

چکیده

احساس امنیت در فضاهای شهری یکی از مهمترین نیازهای شهروندان و از شاخصهای مهم کیفیت زندگی شهری است که تحت تاثیر عوامل متعددی قرار دارد. یکی از این عوامل، حس اجتماع محلی است. در این تحقیق رابطه بین حس اجتماع و احساس امنیت در محلات شهر آشنخانه مد نظر است. حس اجتماع در این پژوهش شامل ۴ مولفه عضویت (تعلق)، تامین نیازها، پیوند عاطفی مشترک و حس تاثیرگذاری می باشد و منظور از احساس امنیت، ارزیابی افراد از امنیت محله شان است. این پژوهش، از نوع پیمایشی است که طی آن از پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری شهروندان بالای ۱۵ سال شهر آشنخانه، حجم نمونه ۳۷۷ نفر و روش نمونه گیری تصادفی ساده است. برای تحلیل داده‌ها نیز از روش T-تک نمونه ای، همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شده است. طبق یافته های این پژوهش میزان حس امنیت و حس اجتماع در محلات شهر آشنخانه به ترتیب با میانگین ۳/۷ و ۳/۵۲ بالاتر از حد متوسط است. همچنین با توجه به ضریب همبستگی ۰/۴۵ در سطح معناداری کمتر از آلفای ۰/۰۱ می توان گفت بین حس اجتماع و احساس امنیت ساکنان شهر آشنخانه رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و میزان شدت همبستگی در حد متوسط است. نتایج رگرسیون چندگانه نیز بیان می کند که از بین شاخصهای حس اجتماع، به ترتیب دو شاخص تامین نیازها و پیوند عاطفی مشترک بیشترین تاثیر را بر احساس امنیت شهروندان دارد.

واژگان کلیدی: اجتماع محلی، حس اجتماع، احساس امنیت، شهر آشنخانه.

مقدمه

امنیت به عنوان یکی از نیازهای اساسی شهروندان به شمار رفته و همواره به عنوان یکی از شاخصهای مهم کیفیت زندگی مورد توجه برنامه ریزان و شهرسازان بوده است (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۳). احساس ناامنی باعث کاهش حضور مردم در فضاهای عمومی و حتی باعث از بین رفتن عرصه عمومی می شود (زنگی آبادی و زنگنه، ۱۳۹۰: ۴۲) و در نتیجه می تواند یک تاثیر منفی شدید بر کیفیت ادراکی زندگی و بهزیستی کلی در محیط های شهری بگذارد (Migliorini, 2008). بنابراین ایجاد محیطهای امن به اشکال مختلف اولویت اساسی در برنامه ریزی می باشد (زنگی آبادی و زنگنه، ۱۳۹۰: ۴۲). یکی از عوامل موثر بر احساس امنیت، حس اجتماع است (Mahmoudi Farahani, 2016: 357). حس اجتماع که بیانگر احساسات عضویت یا تعلق به یک گروه مخصوصا پیوندهای احساسی بین افراد بر اساس تاریخ، منافع یا علایق مشترک است (Xu et al, 2010: 261) به عنوان پایه ای برای توسعه اجتماع محلی و بهزیستی است (Hombrados-Mendieta, 2013, 602 & Barbieri and Zani, 2015: 40). افراد عضو اجتماع را هم مستقیما از طریق افزایش احتمال بروز رفتارهای ارتقا دهنده سلامت یا به طور غیر مستقیم از طریق ایجاد سپر در برابر فشارهای روحی بهبود بخشد (Campbell & Jochelvith, 2000: 6) و به احساس امنیت فردی و اجتماعی کمک کند (Wilson-Doenges, 2000). تحقیقات مختلفی نشان می دهد حس اجتماع، دلبستگی به محله و روابط همسایگی می تواند

احساس ایمنی و امنیت را افزایش دهد (Mahmoudi Farahani, 2016:357). از جمله گرین برگ و همکاران (۱۹۸۲) نشان دادند که دلبستگی عاطفی به عنوان عنصر اساسی همبستگی اجتماعی، عامل اصلی کنترل منطقه ای به شمار می رود. چرا که احساس تعلق خاطر به اجتماع باعث می شود تا افراد احساس کنند که اجتماع به فکر آنان است. از این رو احساس داشتن پشتیبان کرده و در نتیجه محله شان را امن تر از آن چیزی که واقعا هست فرض می کنند (علی خواه و ربیعی، ۱۳۸۵). دلیسی و رگولی (۲۰۱۲) با بررسی منطقه شهری شییکاگو، به این نتیجه رسیدند که افراد خود بیگانه معمولاً محله‌های خود را در مقایسه با پاسخ دهندگانی که بیشتر به اجتماع محلی وابسته هستند، کمتر امن می دانند. افرادی که تمایل به معاشرت با همسایگان ندارند، افرادی که می خواهند از منطقه نقل مکان کنند و مستاجران، محله خود را ناامن ارزیابی می کنند. بنابراین، اهمیت پدیده‌های همسایگی برای افراد به اندازه ویژگی‌های جامعه‌شناختی آن افراد برجسته است (Delisi and Rogoli, 2012). تاوارا و کوئتو (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای حس اجتماع، گروهی از مردم را که در یک شهرک حلیبی نشین در حومه شرقی لیما که با فرآیندهای خشونت اجتماعی شناخته می شود را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می دهد که بین سطح خطر درک شده در منطقه و حس اجتماع رابطه معکوس وجود دارد. (Tavara and Cueto, 2015).

در شهرهای ایران با رواج تفکر مدرنیستی و تغییرات وسیع در ساخت اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهرها، مفهوم محلات به شکل سنتی دچار استحاله و دگردیسی شده و حس اجتماع در بافتهای مسکونی بسیار کم‌رنگ گردیده است (زمانی و شمس، ۱۳۹۳: ۷۴). به گونه‌ای که محلات جدید بر خلاف محله سنتی بیش از آنکه یک تشکل اجتماعی (گمانشافت^۲ به تعبیر تونیس^۳) باشد یک مجموعه برنامه ریزی شده با معیارهایی نظیر جمعیت، شعاع عملکردهای رفاهی و یا خیابان کشی به عنوان عامل تعیین کننده است در حالیکه محله‌ها تنها مجموعه‌های فیزیکی نیستند بلکه محله بیش از آنکه مفهومی برآمده از شهر و بنا باشد با حس تعلق ساکنان به مکان، تعاملات اجتماعی ساکنان و مشارکت و همیاری آنها در امور زندگی شان شناخته می شود. (پاسپیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۱۵). تغییرات گسترده در زندگی شهری باعث تغییر در سبک زندگی و الگوی رفتاری ساکنین مناطق شهرنشین و خصوصاً شبکه روابط اجتماعی و همسایگی شده است. به گونه‌ای که روابط همسایگی در زندگی شهری پاره پاره شده و مردم کمتر درگیر روابط همسایگی می شوند. توسعه فردگرایی و ارزشهای فردگرایانه در جامعه ایران باعث ضعف پیوندهای همسایگی و کاهش سرمایه اجتماعی شده است. تضعیف روابط همسایگی نه تنها در کلانشهرها بلکه در شهرهای کوچک و بسیار کوچک ایران نیز گرچه با شدت کمتر دیده می شود. (رازقی و همکاران: ۱۳۹۵: ۵۱). به این ترتیب از هم پاشیدگی و کم‌رنگ شدن محلات باعث کاهش روحیه هم محله ای بودن شده است (ربیعی نژاد و ارغان، ۲۰۱۳: ۹۶). بدین ترتیب با کاهش روابط همسایگی و به تبع آن افزایش حس غریبیگی و جدایی در بین همسایگان، یکی از مهمترین منابع تامین امنیت در محلات تضعیف می شود (صدیق سروستانی و نیمروزی، ۱۳۸۹: ۱۸۷).

در اجتماع کوچکی چون آشنخانه زمینه شناخت افراد در مقیاس واحد همسایگی و حتی شهر نسبت به هم، وجود ارزشها و احساسات مشترک در مقایسه با شهرهای بزرگ بیشتر فراهم است و این عوامل می تواند حس اجتماع و احساس امنیت بالا را در این شهر سبب شده باشد. اما در مقابل، رشد سریع جمعیتی این شهر در سالیان اخیر ممکن است شرایط را تغییر داده باشد. طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن، جمعیت شهر آشنخانه از ۱۲۷۷۶ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۲۵۱۴۰ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است یعنی رشد جمعیتی این شهر حدود ۳/۴۳ درصد در سال بوده است که حتی از نرخ رشد جمعیت شهری کشور (با رشد سالانه ۲/۴ درصد) درنیز بالاتر بوده است. این روند رشد جمعیتی می تواند باعث تغییر اکولوژی اجتماعی شهر با حضور جمعیت مهاجر که پیشینه و نقاط مشترک کمتری دارند شده باشد به طوریکه ممکن است منجر به افزایش حس غریبیگی و بیگانگی نسبت به هم و کاهش روابط همسایگی و حس اجتماع

^۱ Greenberg

^۲ Gemeinschaft

^۳ Ferdinand Tönnies



محلی مخصوصا در محلات جدید شده باشد و در نتیجه سطح حس امنیت نیز کم شده باشد. این تحقیق تلاشی بر آگاهی از وضعیت حس اجتماع و احساس امنیت و بررسی تاثیر حس اجتماع بر احساس امنیت در محلات شهر آشنانه است. از این رو تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به سوالات زیر است:

- وضعیت حس اجتماع محلی و احساس امنیت شهری در شهر آشنانه چگونه است؟

- آیا حس اجتماع رابطه مثبت با حس امنیت شهری در شهر آشنانه دارد؟

فرضیه اصلی پژوهش عبارت است از :

« به نظر می رسد بین حس اجتماع و احساس امنیت در شهر آشنانه رابطه مثبت وجود دارد».

مبانی نظری

در زبان فارسی از واژه‌ی Community تعابیر متفاوتی از جمله اجتماع، اجتماع محله‌ای، باهمستان و حتی محله شده‌است (عبداله زاده طرف و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۰). برای بسیاری، ایده اجتماع، تصویری از روستا و شهرهای کوچک را به ذهن متبادر می سازد. (کافی و پاک سرشت، ۱۳۸۸: ۷۷). ماکس وبر و فردیناند تونیس بین دو مفهوم « اجتماع » و « جامعه » تمایز قائل شده اند. این دو نظریه پرداز از واژه « گزلفاشت » و گمیاناشافت^۱ استفاده می کنند (عبداله‌ی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۶). فردیناند تونیس^۱ در کتاب گمیاناشافت و گزلفاشت (۱۸۸۷) که به اجتماع و جامعه نیز ترجمه شده، به بیان تقابل اجتماع در مقابل جامعه می پردازد. تونیس، اجتماع پیش صنعتی را گمیاناشافت (اجتماع) و جامعه صنعتی را گزلفاشت (جامعه) می نامد و معتقد است هر گونه همزیستی اجتماعی که مانوس، آرامش بخش و انحصاری باشد به اجتماع تعلق دارد. اجتماع از نظر تونیس بر پایه وحدت و اشتراک شکل می گیرد. این اشتراک می تواند ریشه خانوادگی داشته باشد یا از فضای مشترک و شباهت کاری و عقیدتی ناشی شود. به باور تونیس، اشتراکات موجود میان اعضای اجتماع، ایجاد کننده حس تعلق است که در درجه نخست از تعلق به افراد ناشی می شود و تداوم آن در گروه، تداوم فعالیتهای مشترک اعضاست. در مقابل این اجتماع، جامعه (گزلفاشت) قرار می گیرد. گزلفاشت به معنای زندگی در عرصه عمومی است. از دید تونیس عقلانیت ابزاری منطق پشتیبانی شکل گیری جامعه در دنیای مدرن است. از نظر وی فرایند شهری شدن و صنعتی شدن به ویرانی گمیاناشافت می انجامد و نتیجه آن ویرانی اجتماع سنتی، امنیت و صمیمیت خواهد بود (آزاد تکچی علیا و همکاران، ۱۳۹۹، ۸۸ تا ۸۹) از نظر ماکس وبر، نیز پیوندهای عاطفی و ارگانیک در تشکیل اجتماع و پیوندهای مبتنی بر روابط قراردادی منجر به تشکیل جامعه می شود (عبداله‌ی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۶).

از نظر جانگ لنگ، باهمستان (اجتماع) به شبکه ای از روابط فردی و گروهی به کار برده است. بارتون، مفهوم باهمستان (اجتماع) را برای شبکه ای از مردمی با هویت، علایق و نظریه های مشترک در سطح محلی به کار می برد که امکان شناخت فرصت و حمایت‌های دو سویه ای برای دوستی و همکاری فراهم می آورد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۱). گاس فیلد (۱۹۷۵) بین دو کاربرد عمده واژه اجتماع تفاوت قائل می شود. اول مفهوم قلمرویی یا جغرافیایی است. در این مفهوم، حس اجتماع به محله، شهر یا ناحیه اشاره دارد. بنابراین حس اجتماع به حس تعلق به محدوده ای خاص اشاره دارد. مورد دوم بیشتر یک کاربرد ارتباطی است که با کیفیت و خصوصیت ارتباطات انسانی بدون اشاره به مکان خاصی است. برای مثال محیط کاری، یا گروههای مذهبی نمونه هایی از اینگونه اجتماعات هستند. البته این دو مفهوم به صورت متقابل منحصر به فرد نیستند بسیاری از گروههای با منافع مشترک همچنین بر پایه مکان خاصی شکل گرفته

^۱ Ferdinand Tönnies

اند. البته دورکیم (۱۹۶۴) معتقد است که جامعه مدرن پدیدار شده است تا اجتماع را حول منافع شکل دهد تا مکان. (Obst, 2004, 306). از نظر مک میلان و چاوپس (۱۹۸۶) حس اجتماع بیانگر این احساس است که اعضای اجتماع به همدیگر تعلق دارند و برای یکدیگر و برای گروه ارزش قائلند و اعتقاد مشترکی برای برآورده سازی نیازهایشان از طریق تعهد به همدیگر دارند (McMillan & Chavis, 1986).

آنها در تعریف حس اجتماع چهار عنصر را در نظر گرفته اند: تعلق (عضویت)^۱، تامین نیازها^۲، تاثیر^۳ و پیوندهای عاطفی مشترک^۴. -عضویت: عضویت، حس تعلق و سهمیم شدن یک حس وابستگی شخصی است. عضویت اعتقاد به این است که فرد داوطلبانه عضو اجتماع شده و احساس کند که به اجتماع تعلق دارد (McMillan & Chavis, 1986:9). همچنین از نظر کوه و کیم (۲۰۰۳) پیوندهای عاطفی و ارتباط مثبت فرد با گروه و حس رهبری در یک گروه بیانگر شاخص عضویت است (M. Reich, 2010:694). -تاثیر: دومین عنصر تاثیر است که به معنای حس مهم بودن است. تاثیر یک مفهوم دوسویه است از یک طرف به معنای تاثیری است که یک عضو اجتماع بر آنچه گروه انجام می دهد می گذارد و از طرف دیگر توانایی گروه برای تاثیرگذاری بر اعضایش است (McMillan & Chavis, 1986:9-11). به عبارت دیگر تاثیر یک نمایش دوسویه قدرت بین اعضاست. این بدان معنا نیست که قدرت بین اعضا مساوی است بلکه برای اعضا فرصتهایی وجود دارد تا بر گروه تاثیر بگذارند و فرصتی برای گروه تا افراد را تحت تاثیر قرار دهد (M. Reich, 2010:697).

- تامین نیازها : سومین عنصر تعریف حس اجتماع یکپارچگی و پشتیبانی (تامین) نیازهاست. پشتیبانی به عنوان یک محرکه رفتار، سنگ بنایی در پژوهش رفتاری است و آشکار است که برای هر گروه یک حس با همدیگر بودن را حفظ می کند. وابستگی فرد-گروه باید برای اعضایش پاداش دهنده باشد (McMillan & Chavis, 1986:12). این احساسی است که نیازهای اعضا بوسیله منابعی که از عضویت در گروه بدست می آید برآورده خواهد شد.

- پیوند عاطفی مشترک: آخرین عنصر، پیوند عاطفی مشترک است. به معنای تعهد و اعتقاد به اینکه اعضا در پیشینه، مکان مشترک، زمان باهم بودن و تجربیات مشابه سهمیم شده اند و خواهند شد. یک پیوند عاطفی مشترک تا حدودی بر پایه پیشینه مشترک است. فعل و انفعالات اعضا در رخدادهای مشترک و ویژگی های خاص رخدادهای ممکن است قدرت اجتماع را تسهیل کند یا مانع آن شود (McMillan & Chavis, 1986:9-11).

از نظر هیلر (۱۹۹۵) حس اجتماع در ساده ترین شکل خود به عنوان گروه سازی فراتر از خانواده که دارای اهمیت اجتماعی است تعریف می شود. به عبارت دیگر، حس اجتماع، با تعهدی که اعضای اجتماع به یکدیگر دارند شناخته می شود (MD.Sacip et al, 2012, 819). حس اجتماع را به عنوان حس عضویت در یک اجتماع بزرگتر که با پیوند ذهنی و اشتراک بین فردی حمایت می شود تعریف کرده است حس اجتماع یک مفهوم چند بعدی است (T. Mannarini, et al, 2014:9). حس اجتماع، با تعهدی

^۱ membership

^۲ fulfillment of needs

^۳ influence

^۴ Shared emotional connection



که اعضای اجتماع به یکدیگر دارند شناخته می شود و بر احساس امنیت تاثیر بسزایی دارد و جنبه مهم یک محله برای تقویت احساس امنیت به شمار می رود. (MD.Sacip et al.2012,819).

امنیت که جزو اساسی ترین نیازهای انسان است دارای دو بعد عینی و ذهنی است. بعد عینی امنیت بیانگر عدم تهدید نسبت به حقوق فردی و اجتماعی و ارزشهای کسب شده است و بعد ذهنی یعنی احساس افراد مبنی بر اینکه حقوقشان مورد تعرض قرار نمیگیرد و فقدان ترس و وحشت از تهدید علیه ارزشها را معین می کند(هاشمیان فر و همکاران، ۱۳۹۲:۱۶۷). بعد ذهنی امنیت(احساس امنیت) پدیده ای روانشناختی-اجتماعی است که ناشی از تجربه های مستقیم و غیر مستقیم افراد از شرایط و اوضاع پیرامون است که افراد به صورتهای مختلف آن را تجربه می کنند(پور احمد و همکاران، ۱۳۹۱:۵). و بیشتر به احساس روانی شهروندان از عوامل تهدیدکننده جرم برمی گردد و ممکن است میزان احساس ناامنی فرد با واقعیت خارجی عوامل تهدیدکننده مطابقت نداشته باشد یا برعکس(فتوحی اردکانی و یزدان پناه، ۱۳۹۸:۲۵). امنیت و احساس امنیت انواع مختلفی دارد که یکی از انواع مهم آن، امنیت شهری یا امنیت در فضاهای شهری است. مفهوم امنیت در فضاهای شهری از یک سو با جرم و از سوی دیگر با مفهوم قربانی جرم واقع شدن و ترس از آن در ارتباط باشد. ترس از وقوع جرم به اندازه خطرهای آماری حاصل از وقوع جرم اهمیت دارد. احساس ناامنی، خشونت و یا بی نظمی زیاد در محیط محلات شهری، می تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم احساس پریشانی، ناتوانی و ترس را افزایش دهد(افشار کهن و رحیقی یزدی، ۶۱-۱۳۹۲:۶۰). بی تردید در ایجاد امنیت و احساس امنیت عوامل گوناگونی دخالت دارند که فقدان آنها برقراری احساس امنیت را کند یا متوقف می سازد(رادفر و حبیب زاده، ۱۳۹۷:۵۵). یکی از این عوامل حس اجتماع است. استاسی (۱۹۶۹) می گوید حس اجتماع محله ای با حس تعلق همراه است و همراه آن، اعضا در تعامل با هم و در برابر نیازهای هم، احساس مسئولیت می کنند. هر چه احساس مسئولیت در محله بیشتر شود، هنجارهای اعتماد و عمل بیشتر شده و کارهای داوطلبانه افزایش می یابد. این روند باعث توسعه یافتگی محله ها و کاهش انحرافات اجتماعی می شود(مبارکی و صلاحی، ۱۳۹۲:۲۸۳). از نظر بوزان نیز هر عامل و پدیده ای که به ایجاد اختلال در احساس تعلق و همبستگی اعضای گروه منجر شود هویت آن گروه را به مخاطره می اندازد و تهدیدی برای امنیت اجتماعی آن قلمداد می شود(بوزان، ۱۳۷۸، به نقل از بحری پور و همکاران، ۱۳۹۲:۱۴). «تراویس هیرشی» از صاحب نظران مکتب کنترل اجتماعی نیز معتقد است کجروی ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است (نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸: ۱۳۸-۱۳۵). وی مهمترین رکن نظارت اجتماعی یعنی پیوند اجتماعی را عاملی اثرگذار در همنوایی افراد با هنجارهای اجتماعی ذکر می کند. به نظر وی بهترین سازوکارهای کنترل اجتماعی در مقابل انحراف این است که ما با دیگران ارتباط داشته باشیم و پیوند بخوریم. به بیانی دیگر، نظریه کنترل اجتماعی « هیرشی» بر این فرض استوار است که اگر مردم پیوندهای قوی با خانواده، مدرسه، همتایان، مذهب و سایر نهادهای اجتماعی داشته باشند، کجروی به حداقل می رسد و در صورت از همگسیختگی، تضعیف پیوندهای فرد با جامعه و آزادی از قیود اجتماعی، احتمال وقوع کج روی افزایش می یابد(میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۴). «دورکیم» همبستگی اجتماعی را عامل حفظ و بقای جامعه می داند که نظم اجتماعی را به همراه دارد که خود معلول اشتراک اخلاقی و اخلاقیات مشترک است. دورکیم معتقد است در جامعه ای که فرهنگ مشترک و قوی در مورد اعتقاد عمومی وجود دارد، همبستگی اجتماعی، استحکام و نظم اجتماعی بیشتری خواهد یافت و این مهمترین عاملی می شود تا نظام اخلاقی و نظام باورها ارزش ها و هنجارهای مشترک را به مردم یک جامعه هدیه کند که در پرتو آن نظم اجتماعی برقرار بماند و جرم و نابهنجاری کاهش یابد و به این ترتیب امنیت و ثبات اجتماعی شکل بگیرد(نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸: ۱۳۳).

در دیدگاه بوم‌شناسی شهری زندگی در نواحی کلانشهرها، باعث بی‌برنامگی، آشفتگی، آنومی و خصوصیات چپ‌پوندهای اجتماعی و از بین رفتن حمایت‌های اجتماعی می‌شود. زندگی در چنین محیط‌هایی به فشارهای فیزیکی و روانی برای افراد منجر می‌شود. لذا به آنها احساس از خودبیگانگی و جدایی دست می‌دهد. به طوری‌که نظام حمایت اجتماعی برای آنها ضعیف می‌شود و احساس ناامنی می‌کنند (الماسی، ۱۳۹۵: ۱۰۷). نظریه کارآیی جمعی نیز ترکیبی از اعتماد متقابل، انسجام، تعلق اجتماعی، ارزشهای مشترک بین ساکنان اجتماع محلی و انتظارات مشترک برای کنشهای اجتماعی را به منظور دستیابی به اهداف جمعی محله (کنترل اجتماعی غیررسمی) مطرح می‌کند. بر اساس این نظریه، اجتماع‌های محله‌ای که کارایی جمعی بسیاری دارند ممکن است به صورت بهتری قادر به نظارت و قاعده‌مند کردن رفتارهای عمومی و خصوصی همچون بزه‌کاری و فعالیت‌های انحرافی باشند و ممکن است موجب افزایش احساس امنیت و کاهش احساس ترس از جرم و بزه دیدگی در اجتماع‌های محله‌ای شوند (مبارکی و صلاحی، ۱۳۹۲: ۲۸۷).

داده‌ها و روش‌شناسی

رویکرد کلی تحقیق حاضر، توصیفی-تحلیلی است. شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات، کتابخانه‌ای و میدانی است. برای تدوین بخش مبانی نظری از مقالات و تحقیقات صورت گرفته و برای معرفی محدوده مورد مطالعه از آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن استفاده شده و برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به بخش مطالعه میدانی پرسشنامه طراحی شده است. محدوده‌ی جغرافیایی پژوهش، شهر آشنخانه است. جامعه آماری، جمعیت بالای ۱۵ سال این شهر است که طبق سرشماری ۱۳۹۵ حدود ۷۳۷۷ نفر است. حجم نمونه با توجه به روش کوکران حدود ۳۷۷ نفر بدست آمد. روش نمونه‌گیری نیز تصادفی ساده است. برای تحلیل داده‌ها نیز از آزمون تی تک نمونه‌ای، همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون استفاده شده است.

در این پژوهش، از بین انواع حس اجتماع، حس اجتماع محله‌ای مدنظر است و با ۴ شاخص تامین نیازها، عضویت، پیوند عاطفی مشترک و حس تاثیرگذاری (که در بخش مبانی نظری به تعریف آنها پرداخته شد) و با استفاده از گویه‌های استاندارد در قالب پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفته است. همچنین احساس امنیت در این تحقیق بیشتر احساس شهروندان نسبت به امنیت محله-شان (حضور امن در فضاهای عمومی محله در طول شبانه‌روز، امن بودن حضور کودکان و زنان در فضای عمومی، امن بودن محله از نظر سرقت و...) مدنظر است. که با استفاده از گویه‌های محقق ساخته در قالب پرسشنامه مورد سنجش و مجموع گویه‌ها به عنوان حس امنیت کلی در محله و به عنوان متغیر وابسته بررسی شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای گویه‌های حس اجتماع حدود ۸۷ درصد و برای حس امنیت حدود ۸۰ درصد است.

قلمرو پژوهش تمام محلات شهر آشنخانه است. شهر آشنخانه در استان خراسان شمالی واقع شده و مرکز شهرستان مانه و سملقان است. این شهر در ۴۰ کیلومتری غرب بجنورد قرار گرفته است و با جمعیت حدود ۲۵۱۰۴ نفری بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ چهارمین شهر استان خراسان شمالی می‌باشد. شهر مورد مطالعه که در مسیر اصلی جاده مشهد به شمال کشور قرار دارد، به عنوان دروازه غربی استان خراسان شمالی محسوب می‌گردد.



شکل ۱: موقعیت شهر آشنخانه در استان خراسان شمالی
(منبع: سامانه اطلاعات آماری خراسان شمالی، www.sdi.nkhmpo.ir)

یافته‌ها

وضعیت احساس امنیت در شهر آشنخانه

در این تحقیق برای سنجش متغیرهای حس اجتماع و امنیت، گویه‌هایی در طیف ۵ گانه لیکرت طرح شده است. برای انجام آزمون T تک نمونه‌ای عدد ۳ به عنوان حد متوسط یا میانگین نظری جامعه (test value) در نظر گرفته شده است میانگین‌های بدست آمده از نمونه آماری با این عدد مقایسه می‌شود.

احساس امنیت در این تحقیق بیانگر برداشت و ادراک افراد از وضعیت امنیت در فضای محله است. حدود ۴۳ درصد اعضای نمونه آماری، امنیت محله خود را بالا دانسته‌اند و پس از آن افراد با احساس امنیت بسیار بالا با فراوانی حدود ۲۴/۴ درصدی را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین در مجموع حدود ۶۷/۳۷ درصد احساس امنیت بیشتر از حد متوسط دارند. همچنین ۱۶/۹۸ درصد احساس امنیت در حد متوسط دارند و ۱۵/۶۵ درصد ساکنین نیز احساس امنیت کمتر از حد متوسط دارند.

علاوه بر این شاخص‌های توصیفی، برای آزمون این که آیا میانگین به دست آمده از میانگین نظری (متوسط = عدد ۳) متفاوت است یا نه از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شد. طبق این آزمون میانگین رضایت سکونتی در حدود ۳/۷ می‌باشد که ۰/۷ بیشتر از میانگین فرضی جامعه است و با توجه به اینکه سطح معناداری از مقدار خطای نوع اول تحقیق (آلفا = ۰/۰۵) کمتر است بنابراین فرض برابری میانگین نمونه با میانگین معیار (۳) رد می‌شود و با توجه به مثبت بودن تفاوت میانگین، می‌توان میانگین نمونه را بالاتر از حد متوسط دانست.

جدول ۳: وضعیت احساس امنیت در محلات شهر آشنانه

آزمون T تک نمونه ای		فراوانی نسبی (درصد)					متغیر
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
سطح معناداری	میانگین						
۰/۰۰	۳,۷	۲۴,۴	۴۲,۹۷	۱۶/۹۸	۱۲/۷۳	۲/۹۲	احساس امنیت

جدول شماره ۲ نیز وضعیت شاخصهای حس اجتماع را در نمونه آماری نشان می دهد. با توجه به آماره فراوانی نسبی در همه شاخصهای حس اجتماع، غلبه پاسخها در دامنه فراتر از متوسط (زیاد و خیلی زیاد) قرار دارد و فقط شاخص حس تاثیرگذاری است که بیشتر پاسخها در طیف متوسط قرار دارد. بر اساس آزمون T تک نمونه ای نیز میانگین تمامی مولفه‌های حس اجتماع بالاتر از حد متوسط است و در این میان، بیشترین میانگین متعلق به مولفه عضویت و کمترین مقدار نیز مربوط به مولفه تامین نیازها در اجتماع محلی می باشد. در کل حس اجتماع محلی که حاصل ادغام این ۴ مولفه است حدود ۳/۵۲ در سطح معناداری آلفا کمتر از ۰,۰۱ قرار دارد. به این ترتیب می توان نتایج حاصل از نمونه آماری را به جامعه آماری تعمیم داد و نتیجه گرفت که حس اجتماع محله ای در شهر آشنانه در حد بالاتر از متوسط است.

جدول شماره ۲: وضعیت حس اجتماع و مولفه های آن در شهر آشنانه

آزمون T تک نمونه ای		فراوانی نسبی (درصد)					مولفه
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
سطح معناداری	میانگین						
.000	۳/۵	۲۳/۱	۳۸/۷	۱۷	۱۷	۴/۲	تامین نیازها
.000	۳/۷	۳۰/۸	۳۴/۵	۲۰/۷	۱۰/۹	۳/۲	عضویت
۰/۰۳	۳/۱۱	۹/۳	۲۷/۱	۳۷/۹	۱۷/۸	۸	حس تاثیرگذاری
.000	۳/۶۳	۲۸/۴	۳۱/۳	۲۴/۷	۹/۸	۵/۸	پیوند احساسی مشترک
.000	۳/۵۲	۱۶/۱۸	۴۲/۱۸	۲۱/۷۵	۱۷/۲۴	۲/۶۵	حس اجتماع (کل)

تاثیر شاخص های حس اجتماع بر احساس امنیت در شهر آشنانه

در این بخش به بررسی تاثیر هر کدام از شاخص های حس اجتماع بر احساس امنیت پرداخته می شود. با توجه به اینکه انواع مختلفی از اجتماع وجود دارد، در این مقاله منظور از اجتماع، محله ای است که افراد در آن سکونت دارند.

-رابطه بین شاخص عضویت در اجتماع و حس امنیت:

طبق آزمون همبستگی پیرسون، ضریب همبستگی بین شاخص عضویت و حس امنیت 0.371 در سطح معناداری آلفا کمتر از ۰,۰۱ است. بنابراین این رابطه یک رابطه مثبت معنادار است بدین معنا که هرچه فرد احساس عضویت قوی تری داشته باشد حس امنیت بیشتری در محل زندگی خود تجربه می کند. این همبستگی را می توان اینگونه تحلیل نمود که با عضویت فرد در یک اجتماع و این که فرد حس تعلق بالایی به اجتماع محلی (محله) داشته باشد به نوعی او را در مقابل اضطرابها و ترس از آسیب رسیدن توسط شرایط



پیش بینی نشده مثل آسیب و صدمه جانی، مالی و... محافظت کرده و حس امنیت را در وی تقویت می کند؛ از سوی دیگر وقتی افراد احساس می کنند که همگی عضوی از یک اجتماع هستند خود را دارای سرنوشت مشترک دانسته و در مقابل عواملی که منافع اجتماعی از جمله امنیت را مورد تهدید قرار می دهد، واکنش نشان می دهند.

جدول ۲: همبستگی بین عضویت در اجتماع محلی و احساس امنیت در محله

متغیر مستقل: عضویت (حس تعلق به اجتماع)	متغیر وابسته	
ضریب همبستگی	احساس امنیت	
سطح معناداری	احساس امنیت	
	۰/۳۷۱	۰/۰۰

-رابطه بین مولفه تامین نیازها و حس امنیت:

طبق آزمون همبستگی پیرسون، مولفه «تامین نیازها» با ضریب همبستگی ۰/۳۹ در سطح معناداری ($P\text{-Value} < 0.01$) با حس امنیت افراد رابطه مثبت دارد. به این ترتیب هرچه فرد بیشتر احساس کند که حضور و عضویت او در اجتماع به تامین و رفع نیازهای او کمک می کند به حس امنیت بیشتر او می انجامد و بالعکس هر چه این حس در او ضعیفتر گردد ترس، دلهره و احساس ناامنی هم در وی افزون می گردد. در واقع، حمایت و پشتیبانی از تامین نیازها که در بستر پیوندهای بین اعضای یک اجتماع و در یک فرایند بده و بستان اجتماعی تولید و بازتولید می شود؛ ترس و اضطراب روانی نسبت به تهدید شدن را کاهش می دهد.

جدول ۳: همبستگی بین شاخص تامین نیازها و احساس امنیت

متغیر مستقل: تامین نیازها	متغیر وابسته	
ضریب همبستگی	احساس امنیت	
سطح معناداری	احساس امنیت	
	۰/۳۹	۰/۰۰

-رابطه بین مولفه حس تاثیرگذاری و حس امنیت:

نکته بعدی رابطه مثبت بین شاخص تاثیرگذاری و حس امنیت است ضریب همبستگی بین این دو متغیر ۰/۴۰۲ در سطح معناداری کمتر از آلفا ۰/۰۱ است. یعنی با اطمینان بیش از ۹۹ درصد رابطه مثبت و معناداری بین این دو متغیر وجود دارد. بنابراین مقادیر بالای حس تاثیرگذاری با مقادیر بالای حس امنیت همراه می باشد و بالعکس.

جدول ۴: همبستگی بین تاثیرگذاری و احساس امنیت

متغیر مستقل: تاثیرگذاری	متغیر وابسته	
ضریب همبستگی	احساس امنیت	
سطح معناداری	احساس امنیت	
	۰/۴۰۲	۰/۰۰

- رابطه پیوند احساسی مشترک و حس امنیت:

ضریب همبستگی بین پیوند احساسی مشترک و حس امنیت نیز حدود ۰/۳۷۶ در سطح معناداری کمتر از آلفای ۰/۰۱ قرار دارد. به این ترتیب وجود رابطه مثبت و معنادار بین پیوند احساسی مشترک و حس امنیت مورد تایید قرار می گیرد و می توان گفت که هرچه فرد پیوند بیشتری با اجتماع خود داشته باشد امنیت بیشتری را در خود احساس می کند. در واقع پیوندها و اتصالات اجتماعی و کیفیت و

شدت آن نقش مهمی در ایجاد حس تعهد افراد برای مقابله با ناهنجاریها و آنومی اجتماعی دارد ضمن اینکه این پیوندها به فرد این اطمینان را می دهد که توسط دیگر اعضا که با آنها پیوند اجتماعی دارد در مقابل تهدیدات مورد حمایت قرار می گیرد.

جدول ۵: همبستگی بین پیوند احساسی مشترک و احساس امنیت

متغیر وابسته	متغیر مستقل: پیوند احساسی مشترک	
احساس امنیت	ضریب همبستگی	۰/۳۷۶
	سطح معناداری	۰/۰۰

-رابطه بین حس اجتماع(کل) و حس امنیت(کل) در شهر آشنخانه

ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر حس اجتماع و امنیت حدود ۰,۴۵ می باشد که نشان دهنده همبستگی متوسط بین دو متغیر است. از سوی دیگر با توجه به سطح معناداری کمتر از آلفای ۰,۰۱ می توان گفت که رابطه بین دو متغیر معنادار است و با احتمال بیش از ۹۹ درصد در جامعه آماری که نمونه از آن گرفته شده است؛ این رابطه وجود دارد و می توان این نتیجه را به جامعه شهر آشنخانه تعمیم داد. بنابراین فرضیه اصلی تحقیق تایید می شود. این رو داشتن حس اجتماع قوی یعنی اینکه افراد خود را بخشی از مجموعه بزرگتر بدانند و در تعامل با سایر اعضای اجتماع قرار گیرند و در احساسات، عقاید و منابع آن اجتماع سهیم شوند نقش مهمی در حس امنیت آنها دارد.

جدول شماره ۷: رابطه بین حس اجتماع(کل) و حس امنیت(کل) در شهر آشنخانه

متغیر وابسته	متغیر مستقل: حس اجتماع محلی	
احساس امنیت	ضریب همبستگی	۰/۴۵
	سطح معناداری	۰/۰۰

تجزیه و تحلیل چند متغیره

در این قسمت، از رگرسیون چندگانه برای تبیین تاثیر همزمان مولفه های حس اجتماع بر متغیر وابسته(احساس امنیت) و نیز برای تعیین اهمیت هر کدام از این مولفه ها استفاده می شود. ضریب بتا نشان می دهد که همه مولفه ها تاثیر مثبت بر احساس امنیت در محلات شهر آشنخانه دارد. در این میان، مولفه تامین نیازها با ضریب ۰/۴۰۲ بیشترین تاثیرگذاری را بر احساس امنیت داشته است و پس از آن پیوند عاطفی مشترک با ضریب بتای ۰/۲۳۳ در مرتبه دوم قرار دارد. کمترین میزان اثرگذاری نیز مربوط به مولفه عضویت است. ضمناً مقدار مجذور R نشان می دهد که حدود ۱۵ درصد تغییرات متغیر وابسته(احساس امنیت) توسط مولفه های حس اجتماع تبیین می شود و بقیه آن تحت تاثیر عوامل دیگر است.



جدول ۷: تحلیل رگرسیون چندمتغیره

سطح معناداری	t	ضرایب استاندارد		متغیر	
		Beta	خطای استاندارد		
۰/۰۰	۶/۱۶۹		۰/۲۸۲	۱/۷۴	مقدار ثابت
۰/۰۹۶	۱/۶۶۹	۰/۱۰۵	۰/۰۹۱	۰/۱۵۱	عضویت
۰/۰۰۸	۲/۶۶۳	۰/۱۵۴	۰/۰۹۷	۰/۲۵۷	حس تاثیرگذاری
۰/۰۲۶	۲/۲۳	۰/۲۳۳	۰/۱۸۲	۰/۴۰۷	پیوند عاطفی مشترک
۰/۰۰	۳/۹۰۴	۰/۴۰۲	۰/۱۳۸	۰/۵۳۸	تامین نیازها
R=0.378 R Square=0.15 Adjusted R Square=0.141					

بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق نقش حس اجتماع بر احساس امنیت در محلات شهر آشنانه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این تحقیق نشان داد که هم میزان احساس امنیت و هم میزان حس اجتماع در محلات شهر آشنانه در وضعیت مناسبی قرار دارد. وضعیت مطلوب حس اجتماع در شهر آشنانه به این معناست که پیوندهای همسایگی و حس هم محله‌ای بودن، تعلق به محله، تاثیرگذاری بر محیط اجتماع (محله) و وجود حمایت و پشتیبانی در بین ساکنان محلات این شهر وجود دارد. از این رو علی رغم تغییرات جمعیتی و کالبدی شهر و اینکه در عصر ارتباطات، اجتماعات مبتنی بر مکان و محله کمرنگ شده اند اما در این شهر کوچک روابط و پیوندهای همسایگی در حد نسبتاً بالایی برقرار است و خصیصه های اجتماع محلی (گماینشافت) را در این شهر می توان مشاهده نمود. یافته دیگر آنکه بیشتر ساکنان، محله خود را امن تصور می کنند و در کل می توان سطح امنیت شهری در شهر آشنانه را بالاتر از حد متوسط ارزیابی نمود.

بخشی دیگر از نتایج تحقیق نشان از رابطه مثبت معنادار بین مولفه های حس اجتماع و احساس امنیت دارد. تایید رابطه مثبت بین مولفه «عضویت» در اجتماع و «حس امنیت» را می توان اینگونه تحلیل نمود که با عضویت فرد در یک اجتماع و این که خود را عضو آن بداند و احساس کند که دیگران او را عضوی از خود می دانند؛ حس انزوا و طردشدگی را کاهش داده و به نوعی او را در مقابل اضطرابها و تهدیدها محافظت کرده و حس امنیت را در وی تقویت می کند. همچنین رابطه بین «تامین نیازها» به عنوان یکی از مولفه های حس اجتماع و «احساس امنیت» در شهر آشنانه مورد تایید قرار گرفت. تحقق نیازها در محله چه شامل خدمات و امکانات محله‌ای و چه سایر نیازهای انسانی که در بستر پیوند و ارتباط فرد با دیگران محقق می شود باعث ایجاد احساس امنیت بیشتر در او می گردد. همچنین «پیوند عاطفی مشترک» باعث می شود افراد نسبت به همدیگر احساس مسئولیت داشته باشند و متقابلاً احساس نمایند که از سوی دیگر اعضای اجتماع مورد حمایت قرار می گیرند و این خود منجر به ایجاد حس امنیت بیشتر در فرد می گردد. همچنین تایید رابطه حس «تاثیرگذاری» بر احساس امنیت به این معناست که افراد دارای تاثیرگذاری بیشتر بر محیط اطرافشان کمتر احساس ترس از خطرات و تهدیدات اجتماعی دارند.

با توجه به رگرسیون چند متغیره نیز مشخص شد که از ۴ مولفه حس اجتماع به ترتیب مولفه تامین نیازها، پیوند عاطفی مشترک و حس تاثیرگذاری، بیشترین و مولفه عضویت در اجتماع کمترین اثر را در احساس امنیت در شهر آشنانه دارد. از این یافته می توان دریافت که بیش از عضویت صرف در اجتماع، جنبه های کارکردی تر حس اجتماع تغییرات احساس امنیت را تبیین می کند.

نتایج این تحقیق با نتایج پژوهش گرین برگ و همکاران^۱ (۱۹۸۲)، دلیسی و رگولی (۲۰۱۲) و تاوارا و کوتو (۲۰۱۵) همخوانی دارد. نتایج این پژوهشها نیز رابطه مثبت بین حس اجتماع محلی و احساس امنیت را تایید کرده است. در کل با توجه به نتایج این پژوهش برای تقویت حس اجتماع محلی و امنیت عمومی در محلات شهر اشخانه موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:

- تامین خدمات عمومی مناسب در محلات شهری: با توجه به اینکه در این تحقیق مولفه تامین نیازها در اجتماع محلی، مهمترین مولفه در احساس امنیت شهروندان به دست آمد، بنابراین مدیریت شهری باید نسبت به تامین و توزیع عادلانه خدمات و امکانات در محلات شهری اقدام کند. هر چند منظور از تامین نیازها در حس اجتماع کلیه نیازهای زیست جمعی و فردی است و بر مبنای این تئوری افراد بخشی از نیازهای خود را از طریق رابطه و پیوند با دیگر اعضای اجتماع بدست می‌آورند اما بخشی از این نیازها باید از طریق مدیریت شهری تامین شود.
- حمایت از انجمنها و نهادهای محله ای که در آن افراد عضو شوند و اهداف مشترکی مرتبط با محله خود را دنبال نموده و برای نیل به آن اهداف مشارکت جمعی داشته باشند. البته نهادها و انجمنهایی در محلات شهر اشخانه وجود دارد مثل کانونهای مساجد، هیات های مذهبی و... که بستر مهمی برای پیوند افراد به همدیگر و ایجاد حس اجتماع و هویت محله‌ای است. لازم است که نهادهای دیگری نیز برای گروههای مختلف اجتماعی و با محوریت موضوعات و مسائل محله شکل بگیرد.
- ایجاد و تقویت فضاهای عمومی و جمعی در محلات که این امر می‌تواند با افزایش حضورپذیری شهروندان در فضاهای عمومی تقویت کننده ارتباطات چهره به چهره و حس جمعی در ساکنان محلات باشد و هم در افزایش حس امنیت در محلات شهر اشخانه موثر باشد.
- تلاش در جهت تقویت هویت محله ای: از آنجا که محله خود نوعی اجتماع محلی است؛ لازمه تقویت حس تعلق محله‌ای این است که محلات عناصر هویت بخش مکانی را حفظ یا ایجاد کنند. این عناصر می‌تواند بناها، میداین، اماکن عمومی خاطره انگیز و... باشد.

^۱ Greenberg



منابع

- آزاد تکچی علیا، زهرا، پرتوی، پروین، باستانی، سوسن. (۱۳۹۹). مفهوم اجتماع [محلی] در نظریه های جامعه‌شناسی شهری: ملاحظات کاربست نظریه ها در برنامه‌ریزی شهری. *فصلنامه مطالعات شهری*. 9(35), 87-100.
- افشار کهن، جواد و رحیقی، یزدی، محمد(۱۳۹۲) تأثیر عوامل محیطی و اجتماعی بر احساس امنیت شهری(مورد مطالعه: محلات منتخب شهر یزد)، *فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری*، سال سوم، شماره هشتم، ۷۸-۵۹.
- امیرکافی، مهدی(۱۳۸۸). بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: شهر تهران). *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران (تحقیقات علوم اجتماعی ایران)* سال اول زمستان ۱۳۸۷ شماره ۱.
- الماسی، مسعود. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان (مورد مطالعه: زنان ساکن مجتمع‌های مسکونی مهرشهر ایلام). *مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان*، ۱۱۴(۱)، ۱۰۳-۱۲۷.
- بحری پور، ع.، و رستگارخالد، ا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان کاشان). *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان* 9-26, 4(10).
- پوراحمد، احمد، عیوضلو، محمود، حامد، محبوبه، عیوضلو، داود و رضایی، فرشته(۱۳۹۱) بررسی رابطه دینداری و احساس امنیت در فضاهای شهری و روستایی(مورد مطالعه: شهرستان کوه‌دشت)، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، سال اول، شماره اول، بهار، صص ۲۰-۱.
- رادفر، محمدرضا، و حبیب زاده، اصحاب. (۱۳۹۷). عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی. *انتظام اجتماعی*، ۱۰(۲)، ۵۳-۸۴.
- رازقی، نادر، شارع پور، محمود، ابراهیمی گنابی، حسن. (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان روابط همسایگی مطالعه موردی شهروندان ساکن شهر بابل. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۷(۳)۷۷-۴۹.
- رضایی، مجید منصور، مدیری، آتوسا و رفیعیان، مجتبی(۱۳۹۲) روشی برای تحلیل خصیصه های باهمستانی در نظام محلات شهری، نمونه موردی: محله نازی آباد تهران. *دو فصلنامه نامه معماری و شهرسازی*، شماره ۱۰: صص ۸۹-۶۹.
- رفیعیان، محسن، مویدی، محمد، سلمانی، حسن. (۱۳۹۳). سنجش احساس امنیت شهروندان با استفاده از مولفه‌های منظر شهری (نمونه موردی: محله اوین). *علوم جغرافیایی (جغرافیای کاربردی)*، ۱۰(۲)، ۳۳-۵۹.
- زنگی آبادی، علی، و زنگنه، مهدی. (۱۳۹۰). سنجش احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهرهای کوچک و مرزی (مطالعه موردی: شهر خواف). *دانش انتظامی*، ۱۳(۱) (مسلسل ۵۰)، ۴۱-۶۵.
- زمانی، بهادر، شمس، سارا. (۱۳۹۳). ضرورت اتخاذ رویکرد محله‌مبنا در احیای بافت های تاریخی شهرها. *هفت شهر*، 4، شماره ۴۵ و ۴۶، ۷۲-۹۳.
- صدیق سروسستانی، رحمت اله، و نیمروزی، نوز. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در محلات شهر مشهد. *دانش انتظامی*، ۱۲(۲) (مسلسل ۱۸۵-۲۲۰) ۴۷.
- عبدالله زاده طرف، اکبر، بهزادفر، مصطفی، نقی زاده، محمد. (۱۳۸۹). بسط مفهوم محله با آناتومی مفهوم اجتماع. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۳(۷)، ۸۹-۱۰۴.
- عبداله‌هی، مجید، توکلی نیا، جمیله، صراف، مظفر. (۱۳۸۹). بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله های شهری ایران. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۲(۷۲)، تابستان ۱۳۸۹(۲)، ۸۲-۱۰۳.

- علی خواه، فردین، و نجیبی ربیعی، مریم. (۱۳۸۵). زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری. رفاه اجتماعی، ۶(۲۲)، ۱۰۹-۱۳.
- مبارکی محمد، صلاحی سمیه. کیفیت خدمات شهری، تعهدات شهروندی و حس تعلق اجتماعی. رفاه اجتماعی، ۱۳(۵۰): ۳۱۵-۲۷۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- میرزایی، ابراهیم، احمدی، یعقوب، بخارایی، احمد، نایی، هوشنگ. (۱۳۹۶). قانون گریزی و پیوندهای اجتماعی: (مطالعه موردی: شهر اهواز). (جامعه‌پژوهی فرهنگی-۱۳۳-۳۰۹۷-۸)
- نوروزی، فیض اله، فولادی سپهر، سارا (۱۳۸۸) بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی موثر بر آن، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۵۹-۱۲۹.
- هاشمیان فر، علی؛ امامی، پریخ؛ زندی، مرجان و عطایی، پری (۱۳۹۲). بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت در بین ساکنان مجتمع‌های مسکونی در شهر اصفهان در سال ۱۳۹۲. فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری، سال سوم، شماره هشتم، ۱۸۲-۱۶۳.
1. Barbieri, Irene and Zani, Bruna(2015) multiple sense of community, identity, and well-being in a context of multi culture: a mediation model. *Community Psychology in Global Perspective. Vol 1, Issue 2, 40 – 60.*
 2. Campbell, Catherine and Jovchelovitch, Sandra (2000) Health, community and development : towards a social psychology of participation. *Journal of community and applied social psychology*, 10 (4). pp. 255-270. ISSN 1052-9284 DOI: 10.1002/1099-1298(200007/08)10:4<255::AID-CASP582>3.0.CO;2-M
 3. Delisi, Matt & Regoli, Robert. (2012). Individual neighborhood attachment and perceptions of neighborhood safety. *American Journal of Criminal Justice*. 24. 181-188.
 4. Hombrados-Mendieta, Gomez-Jacinto, Manuel Dominguez-Fuentes, Garcia-Leiva(2013) sense of community and satisfaction with life among immigrants and the native population. *journal of community psychology*, Vol. 41, No. 5, 601–614.
 5. M.Reich, Stephanie(2010) adolescents’ sense of community on myspace and facebook: a mixed-methods approach. *journal of community psychology*, Vol. 38, No. 6, 688–705 (2010).
 6. Mahmoudi Farahani, Leila. (2016). The Value of the Sense of Community and Neighbouring. *Housing, Theory and Society*. 33. 357-376
 7. Mannarini, T., Talò, C., & Gelli, B. (2014). Sense of community, empowerment and social action: An analysis across political orientations. *Psicología Política*, 48, 7–24.
 8. McMillan&M.Chavis,David(1986)Sense of community: a definition and theory.*Journal of community psychology*,14.6-23.
 9. Md Sakip,Siti Rasidah ., Noraini Joharia & Mohd Najib Mohd Salleh(2012) sense of community in gated and non-gated residential neighborhoods. *ASEAN Conference on Environment-Behaviour Studies,Bangkok, Thailand, 16-18 July 2012*
 10. Migliorini ,Laura, Nadia Rania , Paola Cardinali & Mara Manetti(2008) Sense of safety and the urban environment: A study of preadolescents and adolescent, *Medio Ambiente y Comportamiento Humano*,2008, 9(1y2), 69-89.



11. Obst, Patricia (2004) community connections: psychological sense of community and identification in geographical and relational setting. A Ph.D. thesis, school of psychology and counselling. Queensland University of Technology.
12. T. Mannarini, C. Talò y B. Gelli (2014) Sense of community, empowerment and social action, *Psicología Política*, N° 48, 2014, 7-24.
13. Tavera, Gabriela & Cueto, Rosa. (2015). Sense of Community in a Context of Community Violence. *Journal of Prevention & Intervention in the Community*. 43. 304-319.
14. Wilson-Doenges G. An Exploration of Sense of Community and Fear of Crime in Gated Communities. *Environment and Behavior*. 2000;32(5):597-611.
15. Xu Q, Perkins DD, Chow JC. Sense of community, neighboring, and social capital as predictors of local political participation in China. *Am J Community Psychol*. 2010 Jun;45(3-4):259-71.